

در باره امام دوازدهم در لوح حاجی صدر همدانی که عنوانش در " ای صدر الصدور رق منشور قرائت گشت " میباشد مرکز میثاق جل ثنائیه فرموده‌اند:

اما مسئله امام دوازدهم چون در نفس احادیث ائمه بحسب ظاهر مناقشه واقع در جائی محمد بن الحسن - علیه السلام - را نفس قائم موعود شمرند و در جائی دیگر و حدیثی دیگر وفات محمد بن الحسن - علیه السلام - و تولّد قائم منتظر را در آخر الزمان بیان میفرمایند پس بجهت توافق بین دو حدیث چاره از برای نفسی مگر آنکه تیقن نماید که امام دوازدهم قائم موعود در حیّز ملکوت روحا موجود بود و در یوم ظهور جسما مشهود گشت باین تجسم شخصی ثانی گشت ﴿وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ آنچه در حیّز ملک ظاهر گردد اول در حیّز ملکوت بوده و حکم وجود داشت این مسئله امام دوازدهم و قائم موعود در احادیث مسلسلّه بسیار متزلزل است اگر نفسی انصاف داشته باشد هیچیک از این روایات مختلفه متباینه متعارضه را اعتماد ننماید حضرات شیعیان هر یک از ائمه اطهار را در یومش قائم میدانستند و منتظر خروج او بودند بعد از حضرت امام حسن عسکری رؤسا ملاحظه کردند

بنیاد امید شیعیان بکلی ویران خواهد شد و مأیوس و مضمحل خواهند گشت خواستند بوسیله نگهداری کنند لهذا کنایه و استعاره و مجاز و تأویل بکار برده و روایات مختلفه پدیدار شد و حقیقت حال اینست که شیعیان بعد از امام حسن عسکری - علیه السلام - سه قسم شدند قسمی بامامت جعفر نادان تشبث نمودند و او را تهنیت و تبریک بامامت گفتند و قسمی بکلی منصرف شدند و قسمی دیگر بغیوبیت تشبث نمودند و هر روز منتظر خروج بودند هزار سال است که انتظار میکشند و هنوز کلال و ملال نیاورده‌اند سبحان الله ظهور حق با وجود آنکه بنص صریح من دون تفسیر و تأویل منصوص قرآن است قوله تبارک و تعالی ﴿وَجَاءَ رُؤُوسُ الْمَلَائِكَةِ صَفًّا﴾ در این شبهه نمایند و تزلزل بنمایند و تأویل رکیک کنند و بروایاتی که در نهایت تزلزل است تشبث نمایند و نص صریح گمارند و بآن معارضه کنند این چه بلاهت است و نادانی و این چه حماقت و سرگردانی و علیک التحیة و الثناء ع ع " انتهى